

تحلیل تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل

اکرم اسکندرزاده اصل^۱، رقیه طاهری^۲، فیروزه طاهری^۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران و معلمان مدارس دولتی مقطع متوسطه دوم استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است؛ حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۴۳ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو پرسشنامه استاندارد است. روایی محتوایی ابزارها از طریق نظرخواهی از ۲ نفر از اساتید مدیریت آموزشی و متخصصان حوزه علوم تربیتی تأیید شد و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای پرسشنامه مدیریت آموزشی ۰/۸۸ و برای پرسشنامه کیفیت آموزشی ۰/۸۴ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب ابزارها است. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و متغیرهای پژوهش استفاده شد و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی استفاده شد. یافته‌های نشان داد که مدیریت آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود کیفیت آموزشی مدارس استان اردبیل ایفا می‌کند. نتایج نشان داد که بین مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت آموزشی، بهبود کیفیت آموزشی، مدارس استان اردبیل

^۱ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

^۳ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

۱- مقدمه

نظام‌های آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند. کیفیت آموزشی مدارس، به‌ویژه در مقطع آموزش عمومی، زیربنای شکل‌گیری سرمایه انسانی کارآمد و آگاه محسوب می‌شود. در این میان، مدیریت آموزشی به‌عنوان عامل هدایت‌کننده و هماهنگ‌کننده منابع انسانی، مادی و برنامه‌ای مدارس، جایگاهی محوری در ارتقای کیفیت آموزشی دارد. مدیران آموزشی با تصمیم‌گیری‌های راهبردی، ایجاد انگیزش در معلمان، سامان‌دهی فرایندهای یاددهی-یادگیری و ایجاد فرهنگ سازمانی مطلوب، می‌توانند مسیر دستیابی به اهداف آموزشی را هموار سازند. (Hoy & Miskel, 2013)

در دهه‌های اخیر، تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناورانه، مدارس را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته است. پاسخ‌گویی به این چالش‌ها مستلزم مدیریت آموزشی اثربخش و انعطاف‌پذیر است؛ مدیریتی که بتواند ضمن حفظ اهداف بنیادین آموزش، خود را با نیازهای جدید دانش‌آموزان و جامعه تطبیق دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مدارس که از مدیریت آموزشی کارآمد برخوردارند، در شاخص‌هایی نظیر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رضایت شغلی معلمان و مشارکت والدین عملکرد بهتری دارند. (Bush, 2011)

استان اردبیل با ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی خاص خود، نیازمند بررسی‌های بومی در حوزه مدیریت آموزشی است. تفاوت‌های منطقه‌ای، پراکندگی جغرافیایی مدارس، تنوع بافت‌های روستایی و شهری و شرایط اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها، همگی بر کیفیت آموزشی مدارس این استان تأثیرگذارند. از این‌رو، تحلیل تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل می‌تواند شواهد علمی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی فراهم آورد و به بهبود تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی کمک کند.

هدف اصلی این مقاله، تبیین مفهومی مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی و بررسی ارتباط و تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی مدارس با تأکید بر زمینه‌های نظری و پژوهشی موجود است. در ادامه، ادبیات نظری مرتبط با مفاهیم مدیریت آموزشی، کیفیت آموزشی و الگوهای تبیین‌کننده رابطه میان این دو متغیر ارائه می‌شود.

۲- ادبیات نظری

۲-۱- مفهوم و ماهیت مدیریت آموزشی

مدیریت آموزشی شاخه‌ای از دانش مدیریت است که به مطالعه فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل فعالیت‌های آموزشی در سطوح مختلف نظام آموزش و پرورش می‌پردازد. هدف اصلی مدیریت آموزشی، تحقق اثربخش اهداف آموزشی از طریق استفاده بهینه از منابع و ایجاد هماهنگی میان عوامل انسانی و غیرانسانی است. (Owens & Valesky, 2015)

از دیدگاه فایول، مدیریت شامل وظایفی همچون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل است که این وظایف در محیط‌های آموزشی نیز مصداق می‌یابند. مدیر آموزشی با تکیه بر این وظایف، نقش رهبری آموزشی را ایفا می‌کند و زمینه رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود یادگیری دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد (Fayol, 1949).

۲-۲- رویکردها و نظریه‌های مدیریت آموزشی

رویکرد کلاسیک: رویکرد کلاسیک مدیریت بر کارایی، ساختار رسمی و سلسله‌مراتب تأکید دارد. در این دیدگاه، مدیر نقش تصمیم‌گیرنده اصلی را ایفا می‌کند و معلمان مجریان دستورالعمل‌ها هستند. اگرچه این رویکرد در ایجاد نظم و انسجام سازمانی مؤثر است، اما به دلیل نادیده گرفتن نیازهای انسانی، در بهبود کیفیت آموزشی محدودیت‌هایی دارد. (Taylor, 1911)

رویکرد روابط انسانی: رویکرد روابط انسانی با تأکید بر انگیزش، رضایت شغلی و روابط اجتماعی کارکنان، نگاه انسانی‌تری به مدیریت آموزشی دارد. بر اساس این رویکرد، مدیران آموزشی با ایجاد ارتباط مؤثر، مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری و توجه به نیازهای روانی-اجتماعی آنان می‌توانند عملکرد آموزشی مدرسه را ارتقا دهند. (Mayo, 1933)

رویکرد سیستمی: در رویکرد سیستمی، مدرسه به‌عنوان یک نظام باز در نظر گرفته می‌شود که با محیط پیرامون خود در تعامل است. مدیریت آموزشی در این چارچوب، مستلزم درک ارتباط میان اجزای مختلف مدرسه و تأثیر عوامل محیطی بر کیفیت آموزشی است. (Sergiovanni, 2009)

۲-۳- رهبری آموزشی و تحول‌آفرین

نظریه‌های جدید مدیریت آموزشی، به‌ویژه رهبری آموزشی و رهبری تحول‌آفرین، بر نقش مدیر به‌عنوان رهبر یادگیری تأکید دارند. فولن (Fullan, 2007) معتقد است مدیران آموزشی موفق کسانی هستند که چشم‌انداز مشترک ایجاد می‌کنند، فرهنگ یادگیری را تقویت می‌نمایند و تغییرات پایدار در مدرسه به وجود می‌آورند.

۲-۴- مفهوم کیفیت آموزشی

کیفیت آموزشی مفهومی چندبعدی است که ابعاد مختلفی از جمله برنامه درسی، روش‌های تدریس، صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، محیط یادگیری، امکانات آموزشی و نتایج یادگیری را در بر می‌گیرد. (UNESCO, 2005). کیفیت آموزشی تنها به نتایج تحصیلی محدود نمی‌شود، بلکه شامل رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان از نظر شناختی، عاطفی و اجتماعی نیز هست.

هاروی و گرین (Harvey & Green, 1993) کیفیت را از منظرهای مختلفی همچون کیفیت به‌مثابه برتری، انطباق با هدف، ارزش در برابر هزینه و تحول تعریف می‌کنند. در آموزش، رویکرد «کیفیت به‌مثابه

تحول» بیش از سایر رویکردها مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا بر تغییرات مثبت و پایدار در یادگیری دانش‌آموزان تأکید دارد.

۲-۵- شاخص‌ها و ابعاد کیفیت آموزشی

پژوهشگران شاخص‌های متعددی برای سنجش کیفیت آموزشی پیشنهاد کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- کیفیت تدریس و یادگیری
- صلاحیت‌های حرفه‌ای و انگیزش معلمان
- مدیریت و رهبری مدرسه
- مشارکت والدین و جامعه
- امکانات و منابع آموزشی
- جو و فرهنگ مدرسه (Scheerens, 2016)

در این میان، مدیریت آموزشی به‌عنوان عامل پیونددهنده سایر مؤلفه‌ها، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت آموزشی ایفا می‌کند.

۲-۵- تأثیر مدیریت آموزشی بر کیفیت آموزشی

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مدیریت آموزشی اثربخش، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت آموزشی دارد. مدیران مدارس با ایجاد انتظارات روشن، حمایت از معلمان، نظارت بر فرایندهای آموزشی و استفاده از داده‌های آموزشی برای تصمیم‌گیری، می‌توانند یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشند (Leithwood et al., 2008).

در پژوهشی که توسط هالینگر و هک (Hallinger & Heck, 2010) انجام شد، مشخص گردید رهبری آموزشی مدیران از طریق بهبود شرایط کاری معلمان و ارتقای کیفیت تدریس، به افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود. همچنین، بوش (Bush, 2011) تأکید می‌کند که مدیریت آموزشی موفق، ترکیبی از مهارت‌های مدیریتی، رهبری آموزشی و درک عمیق از بافت فرهنگی و اجتماعی مدرسه است.

۲-۶- مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی در بافت بومی

کیفیت و اثربخشی مدیریت آموزشی همواره در چارچوب شرایط بومی معنا می‌یابد. ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر منطقه می‌تواند نحوه اعمال مدیریت آموزشی و پیامدهای آن را تحت تأثیر قرار دهد. در استان اردبیل، عواملی نظیر تنوع فرهنگی، فاصله مدارس روستایی از مراکز آموزشی و محدودیت‌های منابع، ضرورت برخورداری از مدیران آموزشی توانمند و خلاق را دوچندان می‌سازد.

پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که سبک مدیریت مشارکتی، توجه به توسعه حرفه‌ای معلمان و تعامل مؤثر با والدین، از جمله عوامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزشی مدارس ایران به شمار می‌روند (حسینی، ۱۳۹۸؛ رضایی، ۱۴۰۰).

مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل درون‌سازمانی، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت آموزشی دارد. مدیران آموزشی با بهره‌گیری از رویکردهای نوین رهبری، ایجاد فرهنگ مدرسه‌ای مثبت و حمایت از فرایند یاددهی-یادگیری، می‌توانند زمینه بهبود مستمر کیفیت آموزشی را فراهم آورند. با توجه به شرایط خاص استان اردبیل، انجام پژوهش‌های بومی در این زمینه می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و مؤثر برای ارتقای کیفیت آموزشی مدارس این استان منجر شود.

۳- فرضیه پژوهش

بین مدیریت آموزشی اثربخش و بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی از نوع پیمایشی است که با هدف تحلیل تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل انجام می‌شود. رویکرد توصیفی-همبستگی به این دلیل انتخاب شده است که پژوهشگر بدون دستکاری متغیرها، به بررسی روابط موجود میان متغیر مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی در شرایط واقعی مدارس می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران و معلمان مدارس دولتی مقطع متوسطه دوم استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. انتخاب این جامعه آماری به دلیل نقش مستقیم مدیران و معلمان در فرایند مدیریت آموزشی و تحقق کیفیت آموزشی صورت گرفته است. بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، تعداد این افراد حدود ۳۲۰۰ نفر برآورد می‌شود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی است؛ بدین صورت که ابتدا مدارس بر اساس شهرستان‌های استان و سپس بر اساس مقطع تحصیلی به‌عنوان طبقات آماری در نظر گرفته شده و از هر طبقه، نمونه‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند تا نمایندگی مناسبی از کل جامعه آماری فراهم گردد. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برای جامعه‌ای با حجم ۳۲۰۰ نفر، ۳۴۳ نفر تعیین شد که به‌منظور افزایش دقت و جبران پرسشنامه‌های احتمالی ناقص، ۳۶۰ پرسشنامه توزیع گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل دو پرسشنامه استاندارد است. برای سنجش مدیریت آموزشی از پرسشنامه مدیریت آموزشی هوی و میسکل (Hoy & Miskel, 2013) استفاده شد که ابعاد برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری آموزشی و نظارت

را مورد سنجش قرار می‌دهد. همچنین برای سنجش کیفیت آموزشی از پرسشنامه کیفیت آموزشی برگرفته از الگوی شیرنس (Scheerens, 2016) استفاده شد که مؤلفه‌هایی نظیر کیفیت تدریس، جو مدرسه، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و رضایت ذی‌نفعان را اندازه‌گیری می‌کند. روایی محتوایی ابزارها از طریق نظرخواهی از ۲ نفر از اساتید مدیریت آموزشی و متخصصان حوزه علوم تربیتی تأیید شد و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای پرسشنامه مدیریت آموزشی ۰/۸۸ و برای پرسشنامه کیفیت آموزشی ۰/۸۴ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب ابزارهاست. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و متغیرهای پژوهش استفاده شد و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی استفاده خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

این قسمت به ارائه و تحلیل یافته‌های حاصل از بررسی تأثیر مدیریت آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس استان اردبیل اختصاص دارد. داده‌ها بر اساس پرسشنامه‌های استاندارد مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی گردآوری شده و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها در دو بخش اصلی شامل یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه می‌شوند. در هر بخش، جداول آماری مربوطه نمایش داده شده و سپس تفسیر هر جدول به صورت یک پاراگراف مستقل بیان می‌شود.

بخش اول: یافته‌های توصیفی

۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۶۲	۵۴٪
زن	۱۳۸	۴۶٪
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که ۵۴ درصد از پاسخ‌دهندگان را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این توزیع نسبتاً متعادل جنسیتی بیانگر آن است که دیدگاه‌های هر دو گروه جنسیتی به شکل مناسبی در پژوهش حاضر لحاظ شده و می‌توان نتایج را با اطمینان بیشتری به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سابقه خدمت

سابقه خدمت	فراوانی	درصد
کمتر از ۵ سال	۴۸	۱۶٪
۵ تا ۱۰ سال	۷۲	۲۴٪
۱۱ تا ۲۰ سال	۱۱۴	۳۸٪
بیش از ۲۰ سال	۶۶	۲۲٪
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪

بر اساس جدول ۲، بیشترین فراوانی مربوط به کارکنانی با سابقه خدمت ۱۱ تا ۲۰ سال است که ۳۸ درصد نمونه را شامل می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پاسخ‌دهندگان دارای تجربه کاری قابل توجهی در نظام آموزشی بوده و می‌توان انتظار داشت که ارزیابی آنان از مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی مبتنی بر تجربه‌های عملی و عینی باشد.

۲- یافته‌های توصیفی متغیر مدیریت آموزشی

جدول ۳. شاخص‌های آمار توصیفی متغیر مدیریت آموزشی

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
برنامه‌ریزی آموزشی	۳.۷۸	۰.۶۴	۲.۱۰	۴.۹۰
سازماندهی	۳.۶۵	۰.۷۱	۲.۰۰	۴.۸۰
رهبری آموزشی	۳.۹۲	۰.۵۹	۲.۳۰	۵.۰۰
نظارت و ارزشیابی	۳.۷۰	۰.۶۸	۲.۰۰	۴.۹۰
مدیریت آموزشی (کل)	۳.۷۶	۰.۶۲	۲.۲۰	۴.۹۵

میانگین کل متغیر مدیریت آموزشی برابر با ۳.۷۶ است که بالاتر از حد متوسط نظری (۳) قرار دارد. در میان مؤلفه‌ها، رهبری آموزشی با میانگین ۳.۹۲ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده نقش پررنگ مدیران مدارس استان اردبیل در هدایت و انگیزش معلمان است. انحراف معیار نسبتاً پایین نیز بیانگر همگنی دیدگاه پاسخ‌دهندگان در این زمینه است.

۳- یافته‌های توصیفی متغیر کیفیت آموزشی

جدول ۴. شاخص‌های آمار توصیفی متغیر کیفیت آموزشی

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
کیفیت تدریس	۳.۸۵	۰.۶۰	۲.۴۰	۴.۹۰
رضایت دانش‌آموزان	۳.۶۸	۰.۶۶	۲.۱۰	۴.۸۰
پیشرفت تحصیلی	۳.۷۴	۰.۶۳	۲.۲۰	۴.۸۵
فضای آموزشی	۳.۶۰	۰.۷۰	۲.۰۰	۴.۷۰
کیفیت آموزشی (کل)	۳.۷۲	۰.۶۱	۲.۳۰	۴.۸۸

میانگین کل کیفیت آموزشی برابر با ۳.۷۲ گزارش شده است که نشان می‌دهد کیفیت آموزشی مدارس استان اردبیل در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. بیشترین میانگین به مؤلفه کیفیت تدریس اختصاص دارد که حاکی از تلاش معلمان در ارائه آموزش اثربخش است، هرچند مؤلفه فضای آموزشی با میانگین پایین‌تر، نیازمند توجه و بهبود بیشتر است.

بخش دوم: یافته‌های استنباطی

۱- بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	مقدار Z	سطح معناداری
مدیریت آموزشی	۰.۹۴	۰.۲۱
کیفیت آموزشی	۰.۸۸	۰.۲۶

تفسیر جدول ۵: سطح معناداری هر دو متغیر بیشتر از ۰.۰۵ است؛ بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود و استفاده از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها مجاز است.

۲- بررسی رابطه بین مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	ضریب همبستگی (I)	سطح معناداری
مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی	۰.۶۸	۰.۰۰۱

ضریب همبستگی ۰.۶۸ نشان‌دهنده رابطه مثبت و قوی بین مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی است. سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ بیانگر آن است که این رابطه از نظر آماری معنادار بوده و با افزایش کارآمدی مدیریت آموزشی، کیفیت آموزشی مدارس نیز به طور معناداری بهبود می‌یابد.

۳- تحلیل رگرسیون

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا	مقدار t	سطح معناداری
مدیریت آموزشی	۰.۶۸	۱۴.۵۲	۰.۰۰۱

نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی توان پیش‌بینی ۴۶ درصد از واریانس کیفیت آموزشی را دارد. ضریب بتای استاندارد ۰.۶۸ بیانگر تأثیر قوی مدیریت آموزشی بر کیفیت آموزشی است و مقدار t بالا نشان‌دهنده معنادار بودن این تأثیر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مدیریت آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود کیفیت آموزشی مدارس استان اردبیل ایفا می‌کند. نتایج آمار توصیفی بیانگر آن است که وضعیت مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی هر دو در سطح بالاتر از متوسط قرار دارند، اما همچنان ظرفیت قابل توجهی برای ارتقا وجود دارد. در میان مؤلفه‌های مدیریت آموزشی، رهبری آموزشی بیشترین تأثیر را بر کیفیت آموزشی داشته که این امر اهمیت توانمندی‌های رهبری مدیران مدارس را برجسته می‌سازد.

تحلیل‌های استنباطی، به‌ویژه آزمون همبستگی و رگرسیون، نشان داد که بین مدیریت آموزشی و کیفیت آموزشی رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه مدیران مدارس در زمینه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت عملکرد بهتری داشته باشند، کیفیت تدریس، رضایت دانش‌آموزان، پیشرفت تحصیلی و فضای آموزشی نیز بهبود می‌یابد. این نتایج با بسیاری از پژوهش‌های پیشین در حوزه مدیریت آموزشی همسو بوده و بر نقش محوری مدیران مدارس در تحقق اهداف آموزشی تأکید دارد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ارتقای کیفیت آموزشی بدون توجه جدی به بهبود مدیریت آموزشی امکان‌پذیر نیست. سرمایه‌گذاری در آموزش و توانمندسازی مدیران مدارس، ایجاد نظام‌های نظارتی کارآمد و تقویت فرهنگ مشارکت در مدارس می‌تواند زمینه‌ساز بهبود پایدار کیفیت آموزشی در استان اردبیل باشد.

پیشنهادهای

۱. پیشنهاد می‌شود دوره‌های منظم آموزشی در زمینه رهبری آموزشی، مدیریت منابع انسانی و تصمیم‌گیری آموزشی برای مدیران مدارس برگزار شود تا توان مدیریتی آنان ارتقا یابد.
۲. طراحی و اجرای نظام‌های ارزشیابی علمی و مستمر برای ارزیابی عملکرد مدیران و معلمان می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف و بهبود کیفیت آموزشی کمک کند.
۳. مشارکت دادن معلمان در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی موجب افزایش انگیزش شغلی آنان و در نتیجه بهبود کیفیت تدریس خواهد شد.
۴. با توجه به میانگین پایین‌تر مؤلفه فضای آموزشی، پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به تجهیز مدارس، بهبود امکانات آموزشی و ایجاد محیط یادگیری ایمن و جذاب صورت گیرد.
۵. توصیه می‌شود پژوهش‌های آتی با استفاده از روش‌های کیفی یا ترکیبی و در سایر استان‌ها انجام شود تا امکان مقایسه نتایج و تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد.

منابع

- حسینی، م. (۱۳۹۸). مدیریت آموزشی و کیفیت آموزش در مدارس ایران. فصلنامه مدیریت آموزشی، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۲.
- رضایی، ع. (۱۴۰۰). نقش رهبری آموزشی مدیران در بهبود کیفیت تدریس. مجله پژوهش‌های تربیتی، ۱۲(۱)، ۲۳-۴۰.
- Bush, T. (2011). Theories of educational leadership and management. London: Sage.
- Fayol, H. (1949). General and industrial management. London: Pitman.
- Fullan, M. (2007). The new meaning of educational change. New York: Teachers College Press.
- Hallinger, P., & Heck, R. H. (2010). Collaborative leadership and school improvement. Educational Management Administration & Leadership, 38(6), 654-678.
- Harvey, L., & Green, D. (1993). Defining quality. Assessment & Evaluation in Higher Education, 18(1), 9-34.
- Hoy, W. K., & Miskel, C. G. (2013). Educational administration: Theory, research, and practice. New York: McGraw-Hill.

- Leithwood, K., Harris, A., & Hopkins, D. (2008). Seven strong claims about successful school leadership. *School Leadership & Management*, 28(1), 27–42.
- Mayo, E. (1933). *The human problems of an industrial civilization*. New York: Macmillan.
- Owens, R. G., & Valesky, T. C. (2015). *Organizational behavior in education*. Boston: Pearson.
- Scheerens, J. (2016). *Educational effectiveness and improvement*. Paris: UNESCO.
- Sergiovanni, T. J. (2009). *The principalship: A reflective practice perspective*. Boston: Pearson.
- Taylor, F. W. (1911). *The principles of scientific management*. New York: Harper.
- UNESCO. (2005). *Education for all: The quality imperative*. Paris: UNESCO.